



## معلم‌ها بازنشسته نمی‌شوند

گفت‌وگو با اکبر رضایی، همکار بازنشسته آموزش و پرورش

درباره منطقه ۱۸ باید بگویم که استخدام من به‌عنوان معلم در منطقه ۱۸ صورت گرفت. ۲۵ سال سابقه کار در آنجا دارم. بنابراین شناخت خوبی نسبت به منطقه داشتم. وقتی مدیر این منطقه شدم، در طول سه سال خدمت مدیریتی، منشأ کارهای بسیاری بودم. یکی از آنها اینکه با برنامه‌ریزی و کار در مجمع خیرین مدرسه‌ساز، توانستیم رتبه اول کشوری را کسب و از وزیر محترم نشان لیاقت، به دلیل تکریم خیرین، دریافت کنیم.

کار ما این بود که به سراغ خیرینی رفتیم که از ۴۰ سال قبل در این منطقه مدرسه ساخته بودند و کسی به سراغشان نرفته بود. این کار ما سبب شد مجمع خیرین مدرسه‌ساز نیز دو مدرسه نیمه‌کاره را در این منطقه کامل کنند و بسازند. اما در منطقه ۵ که زمان خدمت من یک‌سال و بسیار اندک بود، کار بزرگی انجام شد و آن رفع توقیف زائرسرای منطقه ۵ در مشهد مقدس بود. شهرداری زائرسرای منطقه در مشهد را بسته بود. زیرا این مرکز فاقد مجوز اقامتی بود. دریافت مجوز اقامتی آن حدود ۲۵۰ میلیون تومان هزینه داشت. من با ابتکاری خیلی خوب، بدون اینکه کاری انجام دهم، ۲۵۰ میلیون تومان از همکاران جمع کردم تا این مرکز اقامتی و حضور همکاران در آن قانونی شد.

دیری نگذشت که شهرداری مشهد تمام زائرسرایهای آموزش و پرورش تهران را در مشهد، به دلیل همین مشکل، تعطیل کرد. تنها منطقه‌ای که زائرسرایش فعال بود، متعلق به منطقه ۵ بود. در همان منطقه خانه معلمی داشتیم که فضای آن بسیار بد بود. معتقدم معلم حرمت دارد و باید از بهترین امکانات رفاهی برخوردار باشد. در حال حاضر این خانه معلم که در محله اکباتان تهران قرار دارد، یکی از بهترین خانه معلم‌های تهران است که در زمان مدیریت کوتاه‌مدت یک‌ساله من پایه‌ریزی شد. بعد از آن، در اداره کل هم اتفاقات خیلی خوبی افتاد. وقتی به اداره کل رفتم، اداره مشارکت‌ها، به دلیل گستردگی، درواقع شامل مدرسه‌های غیردولتی، مراکز آموزشی زبان، مراکز علمی، مدرسه‌های هیئت امنایی، پیش‌دستانی، مدرسه‌های بزرگ‌سال و مدرسه‌های آموزش از راه دور می‌شد. کسی نمی‌دانست چند

← چند نمونه از تجربه‌های کاری موفق این ۳۰ سال خود را بیان کنید؟ در طول خدمتم، همواره با خود قراری گذاشته بودم و آن اینکه فرصت مدیریتی من کوتاه است. بنابراین باید کاری انجام دهم که ماندگار باشد. به خاطر دارم، در حدود سه سال خدمت در منطقه ۷ به‌عنوان معاون آموزشی، بایگانی منسجم و منظمی را ایجاد کردم. از جمله دغدغه‌های مردم منطقه ۷ که در دهه‌های قبل و گاهی در دوره حکومت قبلی فارغ‌التحصیل شده بودند و حالا پیگیر مدرک تحصیلی‌شان بودند، دستیابی به آن بود. حدود ۱۰ سال پیش، به کمک همکارانم، طرحی را انجام دادیم و موفق شدیم بایگانی منسجم و منظمی را که بخشی دستی و بخشی دیجیتالی بود، ایجاد کنیم. کار به قدری تمیز و جامع بود که دیگر تغییری در آن داده نشد.

← اکبر رضایی خود را همکار فرهنگی آموزش و پرورش، با ۳۴ سال سابقه کار، معرفی می‌کند. به گفته خودش تقریباً در تمام سطوح آموزشی در مدرسه‌های ابتدایی، راهنمایی، متوسطه، فنی و حرفه‌ای و کاردانش، شغل‌ها و سمت‌های متفاوتی داشته است. رضایی در سیستم اداری نیز تمام سطوح را از کارشناسی، کارشناس مسئولی، معاونی و ریاست منطقه طی کرده است. او پس از ۳۰ سال خدمت و بازنشستگی، ادامه فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی خود را با فعالیت‌های نیکوکارانه فرهنگی و تأسیس یک مدرسه خیریه ادامه می‌دهد.

**مروری بر سوابق:** دبیر، کارشناس آموزشی، معاون آموزشی منطقه ۷، رئیس منطقه ۱۸ تهران، رئیس منطقه ۵ تهران و مدیر اداره مشارکت‌های مردمی آموزش و پرورش شهر تهران.

مدرسه داریم! یکی از کارهای جدی من که نهدینه و تبدیل به کتابچه شد، آغاز اجرای سامانه شهری مدرسه‌های کشور بود؛ پروژه‌ای بسیار سنگین در کل کشور، به این ترتیب توانستیم سامانه شهری مدرسه‌های کشور را ایجاد کنیم. البته از قبل طراحی شده، ولی اجرایی نشده بود. بنابراین، موانع اجرایی شدن آن را برطرف کردیم و کار را به نتیجه رساندیم.

### ← شاید در طول خدمت خود با تجربه کاری ناموفقی نیز روبه‌رو شده باشید، در این باره توضیح دهید.

خوش‌بختانه، تجربه ناموفق نداشتم. در فعالیت‌هایم جابه‌جایی‌های بسیاری داشتم. گاهی معلم یک مدرسه بودم، کار می‌کردم و به دلایل مختلف به مدرسه دیگر می‌رفتم. در این جابه‌جایی‌ها حسی

زندگی شخصی‌ام کم نگذاشته‌ام. به نظر من آنچه باعث شد تجربه تلخی نداشته باشم، لطف و عنایت خدا بود.

### ← بعد از بازنشستگی چگونه از تجربه‌های خود استفاده کردید و به فعالیت‌هایتان ادامه دادید؟

در چندین سال سابقه خدمتی‌ام، به دلیل اینکه دو شیفت کار می‌کردم و در کنار کارم حتی تا اواخر خدمتم تدریس را رها نکرده بودم، خودم را معلمی پویا و فعال نشان می‌دادم. این باعث شده بود شخصی فعال باشم. هر چند که دوره خدمتم تمام شده بود، اما لطف خدا شامل من شده بود و نیروهای انسانی بسیاری را در مناطق مختلف می‌شناختم. پس به این نتیجه رسیدم که سرمایه اصلی آموزش و پرورش نیروی انسانی آن است که به دلایل



به من دست داد که نکند خوب کار نکرده‌ام که جابه‌جا شده‌ام. در فرایندی سی و چند ساله، به این نتیجه رسیدم که با عنایت خدا، جابه‌جایی‌ها خوب و خوشایند بودند. در تمام دوران خدمتم همه جا احساس رضایت درونی داشتم. در این زمینه تجربه تلخ یا ناموفق و یا پشیمانی نداشتم و در ذهن ندارم. علتش نیز آن است که تمام کارهایم را براساس اصول انجام می‌دادم و برای آن‌ها خیلی وقت می‌گذاشتم. یکی از خصوصیات کاری من وقت‌گذاری بیش از حد در کار است. شاید برای کاری که همه دو سه ساعت وقت می‌گذارند، من هفت ساعت وقت می‌گذاشتم؛ به طوری که تا ساعت سه نصف شب در خانه کار می‌کردم. البته توضیح دهم که هرگز در

مختلف، از آن استفاده بهینه نمی‌شود؛ بچه‌هایی که فارغ‌التحصیل شده‌اند، سرمایه ما هستند. با علم بر اینکه مناطق مختلف در استان به کیفیت‌بخشی آموزش نیاز دارند، ایجاد مؤسسه‌ای در این راستا به ذهنم رسید. پس از مطالعات گسترده روی تمام مؤسسه‌هایی که کار فرهنگی-خیریه‌ای انجام می‌دهند، با همراهی جمعی از دوستان، به نقطه‌ای مشترک رسیدیم و «مؤسسه سما علم و دانش» را تأسیس و در آن فعالیت‌های نیکوکارانه در زمینه آموزش را شروع کردیم. مجوز این مؤسسه در خرداد ۱۳۹۶ اخذ شد. مجوز تأسیس مدرسه از آموزش و پرورش گرفته شد. اکنون در زمینه بهزیستی، به ۱۹ مرکز بهزیستی تهران خدمات

رایگان در آموزش بچه‌ها ارائه می‌دهیم. در سیل استان گلستان، در تأمین کتاب کمک‌درسی، نیروی انسانی و آموزشی، کارهای مختلفی انجام دادیم. یکی از فعالیت‌های مؤسسه تأسیس مدرسه در یکی از مناطق روستایی تهران بود.

### ← درباره تأسیس این مدرسه روستایی توضیح دهید؟

مدرسه «پاران علم» را در جنوبی‌ترین منطقه تهران، محله «مرتضی‌گرد»، تأسیس کردیم. این منطقه وضعیتی دارد که شاید از ابعاد گوناگون قابل بررسی باشد. کاملاً حاشیه‌ای است. جمعیت روستایی آن بالغ بر ۳۰ هزار نفر است، اما هنوز دهیاری دارد و زیرساخت‌های شهری ندارد. از نظر آسیب‌های اجتماعی، بسیار مهاجرپذیر است. ساخت‌وسازهای غیرقانونی در منطقه وجود دارند. البته دولت در حال ایجاد زیرساخت‌هاست. این منطقه را برای فعالیت آموزشی انتخاب کردیم. ساختمان قدیمی آموزش و پرورش را که تخلیه بود، اجاره کردیم و الان ۵۵ گل دختر در پایه‌های اول، دوم و سوم داریم. تحصیل بچه‌ها در این مدرسه کاملاً رایگان است. سعی می‌کنیم خدمات آموزشی را به بهترین شکل ارائه دهیم. هر روز صبحانه گرم به دانش‌آموزان می‌دهیم و لوازم‌التحریر یکساله برایشان تأمین می‌شود. معلمانی با علاقه و انگیزه داریم که حقوقشان را خیرین فرهنگی و نه خیرین بازاری، تأمین می‌کنند. این مدرسه را ایجاد کردیم تا بتوانیم الگوی یک مدرسه روستایی را رقم بزنیم که بگوییم در مناطق روستایی کشور می‌توان کیفیت مدرسه‌های روستایی را بالا برد.

### ← چرا به فکر تأسیس مدرسه دخترانه افتادید؟

تنها مدرسه روستایی دخترانه این منطقه در دوره اول ابتدایی (اول، دوم و سوم) ۸۵۰ نفر دانش‌آموز دارد که دو نوبته است. ما در منطقه‌ای که شرایط خاصی دارد، شروع به فعالیت کردیم. اگر کمک خداوند همراه ما باشد، سایر دوره‌ها را هم ایجاد و تغییراتی را از منظر فرهنگی و آموزشی در منطقه ایجاد خواهیم کرد. ■